

# بدیل بورژوازی برای تداوم انباشت سرمایه

در حاشیه پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری



## صدای انترناسیونالیستی

آدرس سایت و ایمیل صدای انترناسیونالیستی به قرار زیر است:

Homepage:

[www.internationalist.tk](http://www.internationalist.tk)

Email:

[inernationalist.voice@gmail.com](mailto:inernationalist.voice@gmail.com)

**انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت!**

## فهرست:

مقدمه	۴
پیروزی حسن روحانی از منظر چپ سرمایه	۴
زمینه های انتخاب روحانی	۶
روحانی جنایتکار کیست؟	۹
چرا تقلب انتخاباتی صورت نگرفت؟	۱۱
اعلام وفاداری نهادهای بورژوائی با روحانی	۱۳
واکنش بازار به انتخاب روحانی	۱۵
بورژوازی جهانی و انتخاب روحانی	۱۶
تداوم جهنم سرمایه داری	۱۸
مبارزه طبقاتی تنها آلترناتیو	۲۱
یادداشتها:	۲۲
خطوط اصلی مواضع:	۲۴

با اعلام برگزاری موفقیت آمیز انتخابات ریاست جمهوری توسط وزارت کشور و پیروزی کاندیدای اصلاح طلبان، «حسن روحانی»، بورژوازی کارناوال پیروزی و شادی خود را برگزار کرد. این بار به جای رنگ سبز، رنگ بنفش سمبل اصلاح طلبی بود. هلهله و هیاهوی این پیروزی، بورس بی رونق تهران را تکان داد، ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی افزایش پیدا کرد. ایدئولوگها و ژورنالیستهای بورژوازی پیروزی کاندیدای اصلاح طلبان را در مرکز توجه قرار دادند. سیاستمداران از اقصی نقاط جهان به روند اصلاحات در ایران ابراز امیدواری کردند و یا حتی پیام تبریک ارسال کردند. پیروزی اصلاح طلبان اگر چه ناپدار و موقتی است ولی یک پیروزی برای **کل بورژوازی** است. درک و بررسی زمینه های این پیروزی بورژوازی و همچنین عواقب آن برای طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی بسیار حائز اهمیت است.

## پیروزی حسن روحانی از منظر چپ سرمایه

**پارلماناریسم یعنی دیکتاتوری سرمایه**

**زنده باد انقلاب کمونیستی!**

بمناسبت انتخابات ریاست جمهوری در ایران

**صدای انترناسیونالیستی**

Homepage: [www.internationalist.tk](http://www.internationalist.tk)

E-mail: [internationalist.voice@gmail.com](mailto:internationalist.voice@gmail.com)

پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری چپ سرمایه اعلام کرد که شرایط لازم برای دخالت و فعالیت آنها در انتخابات وجود ندارد، لذا انتخابات فرمایشی است، انتصاب است و انتخابات را تحریم کرد و به تبع آن به جنب جوش سیاسی فضای انتخاباتی دامن زد. ما این مسئله را به تفصیل در جزوه «پارلماناریسم یعنی دیکتاتوری سرمایه، زنده باد انقلاب کمونیستی!» بررسی کرده ایم و تاکید کردیم که چپ سرمایه نه به مفهوم و عملکرد انتخابات پارلماناریستی بلکه به شرایط انتخابات معترض اند. در چنین زمینه ای بود که در سیرک انتخاباتی،

گرایشات کلام رادیکال چپ سرمایه بدتر از گرایشات سنتی چپ ضد انقلابی به عوام فریبی پرداختند و خاک در چشم طبقه کارگر پاشیدند. کمونیستهای کارگری، جناح حکمتیستها سعی کردند از شرایط استفاده کنند، نقش گروه فشار را ایفا کنند و به «رژیم اسلامی» نه به بورژوازی، فشار بیاورند و گشایش های سیاسی به «رژیم اسلامی» تحمیل کنند و نوشتند:

"ما اعلام کرده بودیم که دوره به اصطلاح مبارزه انتخاباتی جناحهای حکومت کماکان، میتواند و باید صحنه گسترده ترین اعتراضات مردم علیه کل حکومت و همه جناحهایش باشد. بیشترین فشار

را میتوان در این روزها به رژیم اسلامی وارد کرد. میتوان محاسبات و بند و بستهایشان را به نفع مردم و به نفع گشایش فضای سیاسی بهم ریخت." [۱]

با توجه به مشارکت بالای مردم در انتخابات ۷۲،۷ درصد (در عین حال عدم مشارکت حدود ۲۷ درصد در سیرک انتخاباتی) و کسب اکثریت آراء توسط «حسن روحانی»، چپ سرمایه اعلام کرد که این "نه"، «نه» بزرگ مردم ایران به خامنه ای» است. هر دو جناح راه کارگر، هم جناح کمیته مرکزی و هم جناح هیئت اجرائی این عوامفریبی را تکرار کردند. کمونیستهای کارگری نیز به تکرار مشمئز کننده این عوامفریبی پرداختند. سیاوش دانشور عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (جناح رحمان حسین زاده) این چنین می نویسد:

"اگر از بخش کوچکی که روحانی و رفسنجانی و امثالهم را نماینده سیاسی واقعی خود میدانند، بگذریم، بیشتر مردمی که با محاسبات پراگماتیستی و بخشا از روی اجبار رای داده اند، اولاً به روحانی رای نداده اند بلکه به وضع موجود "نه" گفته اند. این رای به نظام نیست و به طریق اولی رای به روحانی نیست. یک نه اعتراضی به حکومت و تلاش برای ایجاد شکاف در آنست." [۲]

جناح دیگر فرقه حکمتیستها یعنی جناح مدرسی نیز همان خزئبلات مشمئز کننده را تکرار کرد، مردم در انتخابات شرکت کردند تا به ولی فقیه نه بگویند و نوشت:

"رای نیابردن نمایندگان اصولگرایان و بیت امامی ها، یک نه به هسته اصلی جمهوری اسلامی و ولی فقیه بود. شکست اصولگرایان و بویژه رای ناچیز جلیلی عملاً به معنی رای رد سیاست هسته ای رژیم، سیاست تحت رهبری مستقیم ولی فقیه، است. درست است مردم تحت چنین شرایطی در این انتخابات شرکت کردند، اما باز هم رنگ خود و مهر خود را به انتخابات زدند آنهم نه گفتن به کاندیداهای نظام است." [۳]

حزب کمونیست کارگری به رهبری حمید تقوایی که در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸ در اعتراض به تقلب انتخاباتی، یعنی عدم انتخاب «موسوی» بعنوان رئیس جمهور، اعلام کرد انقلاب شروع شده است و نقش جناح چپ جنبش سبز را ایفا کرد این بار نیز اعلام کرد پیروزی «حسن روحانی» نشانه اعتراض وسیع مردم علیه جمهوری اسلامی بود و نوشت:

"مضحکه ای که در جمهوری اسلامی انتخابات نام دارد پایان یافت... اما تا آنجا که این مضحکه جنبه جدی داشت قبل از هر چیز نشانه دیگری از نفرت و اعتراض وسیع مردم علیه جمهوری اسلامی بود." [۴]

با توجه به استدلال‌ات چپ دستگاه سیاسی سرمایه، انتخاب حسن روحانی «نه اعتراضی به حکومت» بوده است. ترجمان این استدلال این است که چپ سرمایه با تحریم انتخابات نه تنها در این اعتراضات شرکت نکرد بلکه به تحریم اعتراضات نیز پرداخت و در مقابل اعتراضات مردمی بوده است. چنین هذیان‌هایی از سوئی بیانگر مواضع ضد انقلابی و از سوی دیگر بیانگر فقدان انسجام ساختاری و فکری حتی در همان مواضع ضد انقلابی است.

علی جوادی یکی دیگر از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در تناقض با رفیق حزبی خود (سیاوش دانشور) ادعا می کند که مردم در انتخابات شرکت نکرده اند، چون انتخابات آزادی وجود نداشته است. چرا که اگر انتخابات آزاد بود، کاندیدهای رژیم اسلامی حتی صد رای هم نمی آوردند! استدلال علی جوادی به مفهوم این است، در کشورهایی که انتخابات آزاد وجود دارد، «رای» رای مردم است و نمایندگان پارلمانها، نمایندگان واقعی مردم هستند. به عبارت بهتر جناح چپ سرمایه نقش ایدئولوگها و وسائل ارتباط جمعی را در ساختن افکار عمومی منکر می شود و این آموزه بزرگ اندیشمند پرولتاریا، مارکس را فراموش می کند که افکار حاکم در هر جامعه، افکار طبقه حاکم است. علی جوادی با کلام ظاهرا رادیکال این چنین عوام فریبی می کند و می نویسد:

"این ادعای خامنه ای سردسته جانیان رژیم اسلامی که میگوید هر رای در این "انتخابات" یک رای به نظام اسلامی است، این است: مردمی که حق انتخاب ندارند، رای شان نشان انتخاب شان نیست. نشان حمایت از رژیم آدمکشان اسلامی نیست. این مردم سرنگونی طلبی در وجودشان است. حتی آن بخشی از جامعه که بطور واقعی، و نه بر مبنای ادعاهای رژیم اسلامی در مضحکه انتخابات رژیم شرکت کرده اند، به کسی رای نداده اند... به قول منصور حکمت در یک انتخابات آزاد که سهل است، حتی در انتخاباتی از نوع افغانستان و ترکیه و پاکستان هم امثال این موجودات صد رای هم نمی آورند. از نقطه نظر ما مردم در هیچ "انتخاباتی" شرکت نکرده اند." [۵]

## زمینه های انتخاب روحانی

ما قبلا هم اعلام کرده ایم، سرمایه برای تداوم حیات خود نیازمند انباشت سرمایه است، بدون انباشت سرمایه، سرمایه داری مفهومی ندارد. سرمایه بنا به شرایط زمانی و تاریخی می تواند روبنای سیاسی متفاوتی بخود بگیرد، همانند ایدئولوژی نازیستی در آلمان نازی، سوسیال دمکراسی در اروپای غربی، استالینیزم در بلوک شرق، مائوئیسم در چین، اسلام در ایران و غیره. اما وجه مشترک همگی اینها این است که سرمایه، خدا، دمکراسی، نازیسم نمی شناسد بلکه فقط انباشت سرمایه می شناسد، چرا که همچون ارگانیزم زنده اگر خون تازه وارد چرخه حیات آن نشود می میرد.

با شروع بازسازیهای حاصله از جنگ ارتجاعی و امپریالیستی ایران و عراق که با ورود «سردار سازندگی» (رفسنجانی) شروع شد و هشت سال تمام خاتمی ادامه داد و احمدی نژاد آنرا بدست گرفت به عبارت بهتر در طول دو دهه بعد از پایان جنگ و شروع بازسازی ها، استنثار طبقه کارگر ایران در تاریخ سرمایه داری ایران بی سابقه بوده است. طبقه کارگر ایران بین این سالها

هزاران تریلیون

ریال ارزش اضافه

تحویل جامعه داده

است. در حالی که

اکثریت طبقه

کارگر زیر خط فقر

زندگی می کنند.

نمودار روبرو که

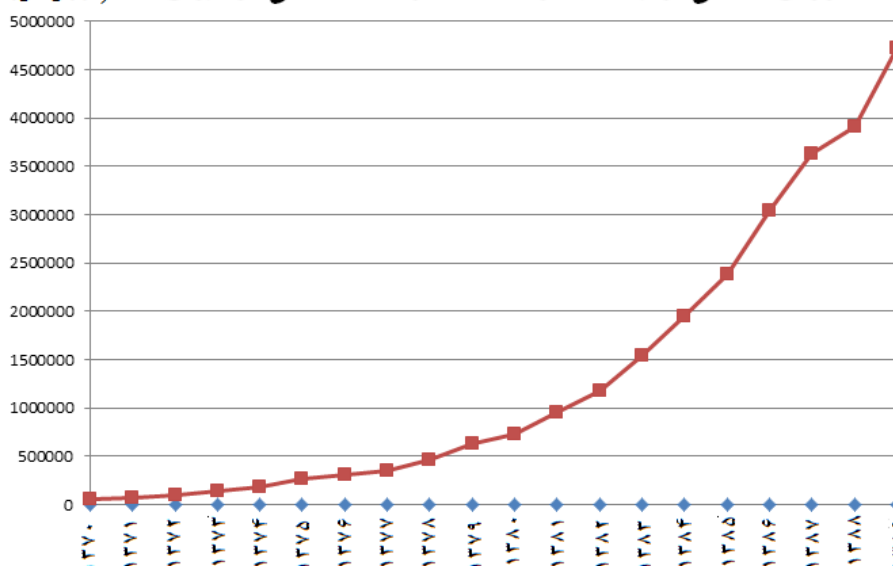
منبع آن مرکز آمار

ایران است این

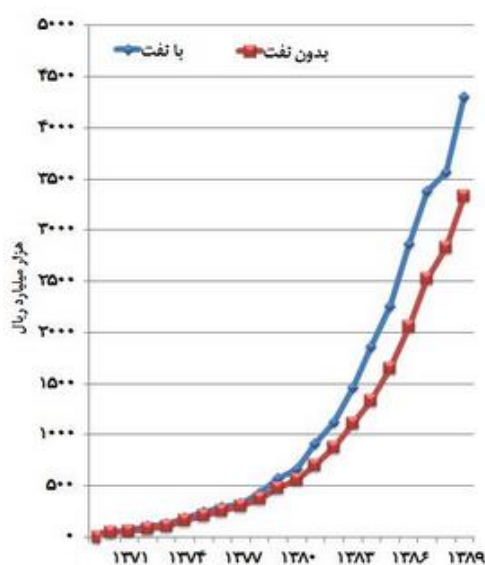
حقیقت انکار ناپذیر

را بروشنی و با

ارزش اضافی تولید شده در دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی در ایران (میلیارد ریال)



جزئیات تمام بیان می کند. نمودار دیگر زیرین که منبع آن بانک مرکزی جمهوری اسلامی است با تفاوتی بسیار ناچیز ضمن تائید ارقام مرکز آمار ایران، ارزش اضافی تولید شده را با احتساب نفت و همچنین بدون احتساب نفت بیان می کند.



اما انباشت سرمایه در سالهای اخیر در ایران با مشکلاتی مواجه شده بود که از دلایل آن میتوان به بحران جهانی سرمایه داری از یکسو و از سوی دیگر تنبیهات بورژوازی جهانی تحت عنوان تحریم ها اشاره کرد. نباید فراموش کرد، برای اولین، ایران در دو سال اخیر و در دو سال متوالی رشد منفی داشته است. ادامه این شرایط برای سرمایه قابل قبول نیست و زیانبار است. در چنین شرایطی بورژوازی باید بتواند باز تولید سرمایه اجتماعی در ایران را بعنوان بخشی از سرمایه جهانی تضمین کند. مخاطرات و مشکلات سر راه تولید

ارزش اضافه و به تبع آن پروسه انباشت سرمایه باید رفع شود و بورژوازی باید خودش را در





این تنش ظاهراً شکل بحران هسته‌ای بخود گرفته است و به یکی از مشکلات عمده بین ایران و دموکراتهای گانگستر مبدل شده که در این تنش، تلاش ایران برای دست یابی به فناوری هسته‌ای، مشکل اصلی است. حقیقت انکار ناپذیر این است که بحران هسته‌ای در واقع اسم رمزی است برای تنش‌های امپریالیستی بین ایران و دموکراتهای گانگستر.

ایران علیرغم تنبیهات گانگسترهای دموکرات همچنان بر بلندپروازی‌های خود در راستای قدرت منطقه‌ای پای می‌فشارد. به این حقیقت حتی ولی فقیه بورژوازی اسلامی «خامنه‌ای» نیز اعتراف می‌کند او اعلام کرد که حل مسئله هسته‌ای کاری سهل و آسان است اگر کشورهای غربی لج بازی را کنار بگذارند، به عبارت دیگر حق ایران را بعنوان قدرت منطقه‌ای بپذیرند. ولی فقیه بورژوازی اسلامی می‌گوید:

"چند کشور که جبهه مخالف ایران را تشکیل می‌دهند و خود را به دروغ جامعه جهانی می‌خوانند، با لج بازی نمی‌خواهند موضوع هسته‌ای حل شود اما اگر لج بازی را کنار بگذارند، حل مسئله هسته‌ای ایران، کاری سهل، آسان و روان است."

نباید فراموش کرد پاکستان علیرغم اینکه به تکنولوژی هسته‌ای دست یافت و حتی اقدام به تولید سلاح هسته‌ای نیز کرد اما تا این حد موجب تنبیهات غرب قرار نگرفت که یکی از دلایل مهم آن، عدم ادعای پاکستان بعنوان قدرت منطقه‌ای است.

تاکتیک جدید و ضروری بورژوازی اسلامی در راستای کاهش تحریم‌ها و یا حداقل جلوگیری از گسترش آنهاست. کاهش تحریم‌ها و یا حداقل عدم گسترش تحریم‌ها این فرصت را به بورژوازی اسلامی خواهد داد تا بتواند بخشی از مشکلات سر راه انباشت سرمایه را بر دارد.

در راستای فراهم آوردن چنین اهدافی و شرایطی بود که ولی فقیه برای اولین بار در تاریخ بورژوازی اسلامی «ایرانیست» را به «اسلامیت» ترجیح داد و برای تضمین امنیت نظام سرمایه داری تنها چند روز پیش از انتخابات وارد معرکه شد و برای "تحقق حماسه انتخابات" اعلام کرد:

"حتی کسانی که حامی نظام اسلامی نیستند به خاطر کشور رای بدهند... ممکن است کسی به دلیلی نخواهد از نظام اسلامی حمایت کند، اما از کشورش که می‌خواهد حمایت کند." [۶]

## روحانی جنایتکار کیست؟

«حسن روحانی» یکی از معدود روحانیونی است که از سال ۱۳۴۰ با خمینی جنایتکار آشنائی نزدیک داشته و اولین نفری است که به خمینی جنایتکار لقب امام داده است. «حسن روحانی» سالها نماینده مجلس شورای اسلامی، نماینده مجلس خبرگان، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده ولی فقیه در شورای عالی امنیت ملی بوده است. «حسن روحانی» در جریان جنگ ارتجاعی



ایران و عراق بین سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۴ معاونت فرماندهی جنگ و از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۶۷ رئیس «ستاد قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء» بوده. او بین سالهای ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۵ «فرمانده پدافند هوایی کل نیروهای مسلح» بوده است. او همچنین از سال ۱۳۷۱ تاکنون رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است.

«حسن روحانی» کسی است که قرار است اصلاحات، آزادی و رفاه را برای مردم ایران به ارمغان بیاورد. سوال اساسی این است، چه کسانی قرار است این اصلاحات را انجام دهند؟ هواداران همین ناجی اصلاحات در اولین تحرک خود توسط

نیروهای امنیتی بازداشت شدند. هواداران «حسن روحانی» که قرار است سیاهی لشکر دولت اصلاحات باشند، در نشست جماران به تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۲ که اقدام به شعار دادن کرده بودند توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شدند و بدنبال آن ستاد انتخاباتی «حسن روحانی» با صدور بیانیه ای خواهان آزادی دستگیر شدگان شد. نه اینکه اعتراض کند دستگیری هوادارانش اشتباه و خطا بوده بلکه از خبر سازهها و سوء استفاده های رسانه های خارجی جلوگیری شود و نوشت:

"نسبت به آزادی جوانانی که در خلق حماسه سیاسی، پیشگام بوده اند، اقدامی عاجل به عمل آورند تا از خبرسازی و سوء استفاده رسانه های خارجی جلوگیری گردد." [۷]

مضحکتر اینکه چند روز بعد از دستگیری هواداران «حسن روحانی» در تهران، اعضای ستاد انتخاباتی «حسن روحانی» به تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۹۲ توسط ماموران اطلاعات سپاه پاسداران در تبریز بازداشت شدند و روز بعد به اتهام "اخلال در نظم عمومی" به زندان تبریز منتقل شدند.

علیرغم همه اینها «حسن روحانی» به ولی فقیه وفادار است و پس از اعلام نتایج قطعی انتخابات

ریاست جمهوری، «حسن روحانی» به تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۹۲ با ولی فقیه خامنه ای دیدار می کند. ولی فقیه ضمن آرزوی توفیق رهنمودهای لازم را به او ارائه میدهد.



«حسن روحانی» در ادامه وفاداری خود به بورژوازی اسلامی در اولین اقدام بعد از اعلام پیروزی به قبر خمینی جلال رفت تا بار دیگر با

او تجدید میثاق کند تا همچنان به آرمانهای آن جنایتکار پایبند است. [۸]

«حسن روحانی» یکی از مهره های بورژوائی است که در تمامی جنایات جمهوری اسلامی نقش بسزائی داشته است. او در رابطه با سرکوب دانشجویان که به سیاهی لشکر جنبش اصلاح طلبی «دوم خرداد» تبدیل شده بودند، در جریان حوادث ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ این چنین چنگ و دندان نشان میدهد:

"این چند صد نفر اوباش چیزی نیستند که بخواهند برای ملت ما و برای مردم عزیز و قهرمان تهران نگرانی به وجود آورند. در کدام کشور جهان، حرکت های آشوب طلبانه این چنین تحمل می شود؟ اینها خیلی پست تر و حقیرتر از آن هستند که بخواهیم نسبت به آنها تعبیر حرکت براندازی را مطرح کنیم. در کجای دنیا و در کدام کشور و توسط کدام دولت، آشوب، تخریب و برهم زدن نظم جامعه، تحمل می شود. مگر دولت مقتدر جمهوری اسلامی ایران مسئولین امنیتی نظام، اینگونه حوادث را تحمل خواهند کرد... ادامه این وضع برای نظام ما کشور ما و ملت ما قابل تحمل نخواهد بود. دیروز نسبت به این عناصر دستور قاطع داده شد، دیروز غروب دستور قاطع صادر شد تا هرگونه حرکت این عناصر فرصت طلب، هر کجا که باشد با شدت و با قاطعیت برخورد شود و سرکوب شوند... خوشبختانه اکثر این عناصر در ظرف دیروز و دیشب دستگیر شده اند. همه این افراد مورد بازجویی قرار خواهند گرفت. در میان این افرادی که دستگیر شده اند افراد شرور، جنایتکار و سابقه دار، وابسته به گروهک های معاند و ورشکسته، افرادی که به نوعی از سوی دستهای مشکوک تطمیع شده بودند همه اینها دیده می شوند." [۹]

### چرا تقلب انتخاباتی صورت نگرفت؟

سوال اساسی که مطرح می شود این است، چرا جناح اصول گرایان و برهبری ولی فقیه سعی نکرد به هر قیمتی شده کاندیدای مورد نظر خود را از صندوق ها بیرون بیاورد؟ مثل کاری که در سال ۱۳۸۸ کردند و دست به مهندسی آراء زدند. واقعیت این است که بورژوازی سر انجام به این نتیجه رسید که در شرایط کنونی با توجه به فروپاشی اقتصاد ایران (برای اولین بار ایران دو سال پیاپی رشد اقتصادی منفی داشته است)، تحریم های بین المللی، خطر حمله نظامی، خطر شورشها و اعتراضات مردمی، «حسن روحانی» بهتر از کاندیدهای جناح اصول گرایان می تواند پاسخگوی این معضلات باشد و کشتی در حال غرق شدن بورژوازی اسلامی را از نابودی حتمی نجات دهد. جناح محافظه کاران به همراه نیروهای نظامی و امنیتی (سپاه، ارتش، وزارت اطلاعات) آگاهانه تلاش نیاوردند تا تقلب انتخاباتی همانند سال ۱۳۸۸ انجام دهند، جلوگیری از طغیانهای احتمالی، اقتصاد ورشکسته، انزوای منطقه ای و بین المللی، تورم لجام گسیخته، نرخ بالای بیکاری، به یک عقب نشینی موقتی این جناح نیاز داشت.

«حسن روحانی» آلترناتیو بورژوازی اسلامی در پاسخ به شرایط حساس جدید است، روحانی قرار است کشتی شکسته بورژوازی اسلامی را از طوفان بیرون بکشد و ناجی بورژوازی اسلامی از بحرانی باشد که آنرا در گرفته است. این مسئله را نه تنها رهبران جناح محافظه کار بورژوازی بلکه حتی مهره های آن در نهادهای متفاوت نیز دریافته اند. «حسین علائی» از فرماندهان سابق سپاه پاسداران طی مقاله ای تحت عنوان «پیروزی مردم» می نویسد:

"مردم در انتخابات خود نشان داده اند که سیاست خارجی کشور در ۸ سال گذشته را نپسندیده اند... بنابراین مردم میخواهند با روی کار آوردن دولت جدید، موقعیت بین المللی ایران را بهبود بخشند و اعتبار ایرانیان را در سطح جهان افزایش دهند." [۱۰]

عباسعلی کدخدائی سخنگوی شورای نگهبان در زمان انتخابات (دیگر عضو شورای نگهبان نیست) بر سلامت انتخاباتی تاکید می کند و در مصاحبه ای با شبکه خبر تلویزیون به تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۹۲ اعلام کرد:

"این انتخابات از جمله انتخاباتی بود که در آن هیچ گونه تخلفی را مشاهده نکرده ایم."

به عبارت بهتر، یکی از مقامات بلند پایه یعنی سخنگوی شورای نگهبان اظهار می دارد که این بار تقلب انتخاباتی صورت نگرفته است. ترجمان سخنان آقای کدخدائی این است که این بار سعی نکردند و یا نخواستند تقلب انتخاباتی کنند ولی در انتخابات دیگر تقلب انتخاباتی یا مهندسی آراء صورت گرفته است.

ظاهراً منافع کل بورژوازی بر تسویه حسابهای شخصی و جناحی ارجحیت دارد، باید یکی از وحشی ترین و جنایتکارترین نظام های سرمایه داری لقب "دمکرات ترین" را بخود بگیرد. اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که صلاحیت او برای کاندیداتوری ریاست جمهوری احراز نشد، علیرغم آن اعلام کرد:

"اگر دشمنان جمهوری اسلامی ذره ای انصاف داشته باشند، باید بپذیرند که ایران دمکرات ترین انتخابات دنیا را برگزار کرد و هیچ شبهه ای نمی توانند به آن وارد کنند." [۱۱]

واقعیت این است که نهادهای اصلی چون قوه قضائیه، قوه مقننه، شورای نگهبان، رادیو و تلویزیون و غیره در اختیار جناح اصول گرایان برهبری ولی فقیه است. اصول گرایان به «حسن روحانی» هشدار داده بودند که که در گزینش اعضای کابینه باید فرا جناحی برخورد کند. در غیر اینصورت با مشکل احراز رای اعتماد در مجلس مواجه خواهد شد. البته حسن روحانی، در شبکه اول تلویزیون ایران ظاهر شد و اعلام کرد:

"باور کنیم که با همت مردم فصل جدید همدلی آغاز شده است. من دست همه اعتدال گرایان، اصلاح طلبان و اصول گرایان را به گرمی می فشارم."



گمانه زنی هائی در جریان بود مبنی بر این که رفسنجانی ایده یک دولت آشتی را برای «حسن روحانی» ارائه داده و هدف این طرح تعیین وزراء از همه جناح هاست تا اختلافات جناحی را کاهش دهد و عملاً موقعیت کل بورژوازی و منجمله ولی فقیه را در کوتاه مدت تقویت

کند. عملاً نیز چنین شد و «حسن روحانی» از ۱۸ وزیر که برای هیئت دولت خود به مجلس معرفی کرده بود، ۱۵ وزیر رای اعتماد گرفتند که به جناحهای متفاوت بورژوازی تعلق دارند، اگر چه اکثریت آنها متعلق به اصلاح طلبان هستند که در دولت های هاشمی رفسنجانی نیز جزو کابینه او بودند.

### اعلام وفاداری نهادهای بورژوائی با روحانی

در جریان تحولات سال ۱۳۸۸، اعتراضات به تقلب انتخاباتی و عدم انتخاب موسوی بعنوان رئیس جمهور، عده ای بخصوص در جنبش سبز عنوان میکردند که احمدی نژاد رئیس جمهور محافظه کاران نیست بلکه رئیس جمهور سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات است که نهاد های نظامی و امنیتی طی کودتائی احمدی نژاد را بقدرت رسانده اند. به همین خاطر از احمدی نژاد بعنوان رئیس جمهور «نظامی-امنیتی» نام میبردند. ما چهار سال قبل بی پایه و بی اساس بودن چنین نظریاتی را توضیح دادیم و اعلام کردیم که محمود احمدی نژاد رئیس جمهور محافظه کاران بود. احمدی نژاد در اواخر دوره ریاست جمهوری اش بدلیل اختلافاتی که با جناح اصولگرایان پیدا کرد، جناحی که خود رئیس جمهور آن بود، عملاً به مهره کم ارزش تبدیل شد و حتی مانع سخنرانی او در مراسم یا محافل مهم شدند. اخیراً نیز مرکز مستند سازی «سفیر» وابسته به مجتمع رسانه ای «اطلس» که زیر نظر سپاه پاسداران فعالیت می کند، چندین فیلم تولید و پخش کرده است که یکی از اینها فیلمی است به نام «کدام انحراف؟» که بر علیه محمود احمدی نژاد است. سوال اساسی این است طرفداران تز رئیس جمهور «نظامی-امنیتی» بی پایگی و بی اعتباری نظراتشان را چگونه توضیح میدهند؟

این بار نیز پس از قطعی شدن پیروزی «حسن روحانی» سپاه پاسداران طی اطلاعیه ای پیروزی بزرگ و تاریخ ساز را به ولی فقیه زمان تبریک گفت و آمادگی این نیرو را برای تعامل با دولت آینده را اعلام کرد. سپاه پاسداران در اطلاعیه خود نوشت:



"بی تردید لبیک رسای ملت به ولی فقیه زمان و رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی؛ برغم تلاش‌های وسیع امپراتوری رسانه‌ای غربی - صهیونیستی برای جلوگیری از مشارکت حداکثری مردم ایران در انتخابات

و خلق حماسه سیاسی، توانست در عرصه‌ای جدید، بار دیگر اقتدار و استحکام جمهوری اسلامی را به جبهه معاندین نظام دیکته کرده و پیام قاطع و معنادار خود را به فضای یأس آلود اردوگاه دشمنان ایران اسلامی منتقل نماید... سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تبریک این پیروزی بزرگ و تاریخ ساز به رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه ای عزیز (مدظله العالی)، ملت شریف ایران و رئیس جمهور محترم و منتخب مردم جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی، آمادگی همه جانبه خود را برای تعامل و همکاری با دولت آینده در چارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی محوله اعلام می‌دارد." [۱۲]

بدنبال آن ستاد کل نیروهای مسلح بیانیه ای صادر کرد و طی آن انتخاب «حسن روحانی» را یک پیروزی بزرگ ارزیابی کرد و آنرا به ملت ایران تبریک گفت و این پیروزی را عرصه ای از نمایش تبعیت از رهبر معظم انقلاب اسلامی اعلام کرد. البته «فیروز آبادی» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح قبلا اعلام کرده بود:

"بسیح باید اولین منظرش، منظر روحانیت باشد که در راس روحانیت ولایت فقیه است. الزام عملی به ولایت فقیه یعنی هر چه ایشان فرمودند را بپذیریم حتی اگر قدرت درک آن را نداشته باشیم و یا به ضرر ما باشد." [۱۳]

نهادهای بورژوائی یکی پس از دیگری ضمن تبریک به مناسبت انتخاب «حسن روحانی» به ریاست جمهوری، آمادگی خود را برای همکاری با دولت او اعلام کردند. رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، «عزت الله ضرغامی» طی نامه ای به «حسن روحانی» اعلام کرد:

"رسانه ملی آماده همکاری با رئیس جمهور منتخب ملت و کمک به دولت جدید در تحقق مطالبات مردم به ویژه در حوزه اقتصادی و رفاه آنان است." [۱۴]

حتی دبیر شورای نگهبان آیت الله احمدی جنتی که یکی از مهره های جناح محافظه کار است بخاطر اینکه از قافله عقب نماند، پیروزی «حسن روحانی» را به او تبریک گفت و در عین حال به او خاطر نشان کرد که به ولایت مقام معظم رهبری وفادار باشد.

## واکنش بازار به انتخاب روحانی



بدنبال اعلام پیروزی «حسن روحانی» ارزش پول ملی ایران (ریال)، که در سالهای اخیر بشدت ارزش خود را از دست داده بود، مجددا ارزش پول ملی بالا رفت و قیمت ارزهای خارجی مثل «دلار» و «یورو» کاهش یافت. قیمت طلا، بخصوص سکه طلا کاهش یافت. قیمت خودرو که در سال اخیر با شوک قیمتی مواجه شده و بشدت افزایش یافته بود تا حدودی کاهش

یافت. بورس تهران با رشد دسته جمعی قیمتها و صف های طولانی خرید مواجه شد و برای اولین بار در تاریخ ۴۶ ساله بورس در کانال ۴۷ هزار و ۸۱۷ واحدی قرار گرفت و ارزش بورس رقم بی سابقه دو هزار و دویست و هفتاد (۲۲۷۰) تریلیون ریال را پشت سر گذاشت. این میزان رشد بیانگر استقبال سرمایه گذاران از سیاست های اقتصادی دولت «حسن روحانی» است.

البته باید تاکید کرد که واکنش مثبت بازار و بورس سهام به انتخاب «حسن روحانی» یک واکنش مقطعی است. اگر چه «نجات اقتصاد ورشکسته ایران» و «بازگشت ارزش ریال» از شعارهای انتخاباتی روحانی بود، ولی واقیت انکار ناپذیر این است که اقتصاد ورشکسته ایران قبل از آنکه ناشی از بی کفایتی مدیران و رهبران بورژوازی اسلامی باشد، ناشی از ورشکستگی جهانی نظام سرمایه داری است که اثرات مخرب بحران جهانی سرمایه داری در کشورهای پیرامونی خود را ویرانگرتر از کشورهای متروپل نشان میدهد.

## بورژوازی جهانی و انتخاب روحانی

همانطوری که قبلاً نیز اعلام شد، بورژوازی جهانی، به اشکال متفاوت بارها ناخشنودی و نارضایتی خود را از سیاست‌ها و عملکردهای جناح محافظه‌کار (اصول‌گرایان) اعلام کرده است و در همان حال به نوعی مطرح کرده است که جهت‌گیری‌های جناح اصلاح‌طلبان بیشتر مورد حمایت و یا خواست بورژوازی جهانی است. در چنین راستائی است که سیل پیام تبریک و یا امیدواری به بهبود و گسترش روابط اقتصادی و سیاسی از اقصی نقاط جهان به «حسن روحانی» ارسال شد.

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه ضمن تبریک به «حسن روحانی» بخاطر پیروزی، اظهار امیدواری کرد که انتخاب او در گسترش و تحکیم روابط دو کشور تاثیر داشته باشد. نخست‌وزیر بریتانیا «دیوید کامرون» طی نامه‌ای به حسن روحانی اظهار امیدواری کرد که حسن روحانی



سیاست و مسیر جدیدی در پیش بگیرد تا روابط دو کشور، گام به گام بهبود یابد. البته قبلاً «ویلیام هیگ» وزیر امور خارجه بریتانیا طی تماس تلفنی با همتای ایرانی خود ابراز آمادگی کرده بود در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر با وزیر امور خارجه جدید ایران دیدار کند تا به بهبود روابط

دو کشور کمک کند. «لاپو پیستلی» معاون وزیر امور خارجه ایتالیا طی سفر خود به تهران با «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه جدید ایران دیدار کرد و نامه نخست‌وزیر ایتالیا «انریکو لتا» را تقدیم دفتر ریاست جمهوری کرد. او اعلام کرد که دولت ایتالیا دولت جدید ایران را تشویق می‌کند تا دیالوگ را با جامعه بین‌المللی گسترش دهند. لوران فابیوس، وزیر امور خارجه فرانسه در بیانیه‌ای اعلام کرد که فرانسه آماده همکاری با رئیس‌جمهور منتخب ایران بر سر موضوعات متفاوتی است. سخنگوی وزارت امور خارجه آلمان اعلام کرد، سخنان حسن روحانی جهت‌گیری صحیح دارد و بسیار سازنده است و آینده مشخص می‌کند که سخنان روحانی تا چه حد اجرایی می‌شوند. حامد کرزای رئیس‌جمهور افغانستان پیروزی «حسن روحانی» را به ولی فقیه، دولت و مردم ایران تبریک گفت.

البته بورژوازی فرانسه سعی کرد از انتخاب «حسن روحانی» حتی منافع کوتاه مدت خویش را نیز تامین کند. فروش شرکت بزرگ خودرو سازی «پی‌اس‌ای» (PSA) که خودروهای «پژو» و «سیتروئن» را تولید می‌کند یک کاهش ۱۵ درصدی را در سه ماهه نخست امسال در مقایسه با



سال قبل نشان می‌دهد. تحریم‌های بخش خودروسازی ایران توسط آمریکا این شرکت را مشکلات جدی روبرو ساخته است که ایران دومین بازار عمده این شرکت است.



«فلیپ مارینی» رئیس کمیسیون مالی سنای فرانسه به تحریم‌های آمریکا که صنایع خودروسازی ایران و بخصوص گروه صنعتی ایران خودرو، مهم‌ترین شرکت خودروسازی ایران را هدف قرار داده اشاره کرد و گفت:

"صنعت خودرو سازی فرانسه با توجه به اهمیت مناسباتی که با بخش صنعت خودرو سازی ایران دارد،

بزرگترین قربانی این تحریم‌ها است... دهها شرکت فرانسوی فعال در بخش خودروسازی به لحاظ این تحریم‌ها علیه ایران نمی‌توانند قطعات و سرویس‌های خود را عرضه کنند." [۱۵]

«فلیپ مارینی» اعلام کرد این تحریم‌ها در کوتاه مدت میتواند نتایج فاجعه‌انگیزی برای صنایع خودرو سازی فرانسه در برداشته باشند و این امر، بیکاری گسترده‌ای را در بخش خودروسازی فرانسه به دنبال خواهد داشت. «فلیپ مارینی» اعلام کرد این موضوع یک اضطرار ملی است و از دولت فرانسه خواست تا در اولین فرصت در جهت معاف کردن فوری فرانسه از این تحریم‌های یک جانبه آمریکا علیه ایران اقدام کند. درآمد شرکت پژو از بازار ایران خودرو ایران فقط در سال ۲۰۰۵ بیش از یک میلیارد یورو بوده است.

صنایع خودرو سازی ایران بعد از صنعت نفت مهمترین، متمرکزترین و پیشرفته‌ترین بخش از صنعت ایران را دارد که سالیانه بیش از ۵۵۰ هزار خودرو تولید می‌کند. منتهی به لحاظ کمی نیروی کار، صنعت خودرو سازی نه تنها بزرگترین صنعت ایران است بلکه بزرگترین و پیشرفته‌ترین صنعت خودرو سازی در خاورمیانه است که بخصوص در سالهای اخیر گسترش فراوانی داشته است.

البته در ایران صنعت تراکتور سازی خود صنعت مجزائی است که که کارخانه اصلی آن در تبریز واقع است با شعباتی در ارومیه و استان کردستان. کارخانه تراکتور سازی سالانه حدود ۱۸ هزار تراکتور از انواع مختلف تولید می‌کند که بخشی از آنها به کشورهای همسایه و همچنین کشورهای آمریکای لاتین و افریقائی صادر می‌شود.

آمریکا بخاطر حق امتیازی که در شرکت خودرو سازی «پی اس ای» (PSA) که خودروهای «پژو» و «سیتروئن» را تولید می‌کند، دارد انتقال هر گونه تکنولوژی و یا هر گونه قطعه و لوازم

را به صنایع خودرو سازی ایران هدف تحریم های خود قرار داده است. تحت تاثیر این تحریم ها هزینه تولید بخشی از قطعات خودرو سازی بیش از ۴۰ درصد افزایش یافت و یا اینکه تهیه آنها با مشکل جدی روبرو شد که عملا صنایع خودرو سازی را با مشکل جدی روبرو ساخته است.

مسئولین صنایع خودرو سازی جایگزینی شرکتهای فرانسوی با شرکت های چینی را مورد بررسی قرار داده اند. البته تهیه قطعات از شرکتهای چینی صرف نظر از اینکه مشکلات خاص خود را دارد، از کیفیت پائینی نیز برخوردار است. گمانه زنی هایی وجود دارد مبنی بر اینکه در صورت عدم موفقیت با شرکت های چینی، در تکنولوژی تولید خودرو بازنگری شود و خودروها با بدنه و



تجهیزات امروزی منتهی با موتور «پیکان» تولید شوند. موتور پیکان در مقایسه با موتور پژو از تکنولوژی پائینی برخوردار است و یک عقب گرد جدی برای شرکت خودرو سازی خواهد بود. شکل روبرو نمونه ای از خودرو «رانا» را نشان میدهد که محصول ایران خودرو است و از سال ۱۳۹۱ وارد خط تولید شده است.

## تداوم جهنم سرمایه داری

سوال اساسی این است، اصلاح طلبی در سرمایه داری گنبدیده چه مفهومی دارد؟ آیا زندگی ما با روی کار آمدن دولت اصلاح طلب بهتر خواهد شد یا همان جهنم سرمایه داری ادامه خواهد یافت؟ به مثلهائی از کشور دیکتاتور زده پیرامونی سرمایه مثل ایران و به دمکرات گانگستری چون بریتانیا نظری می افکنیم.

دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی که اخیرا به عنوان وزیر کشور دولت روحانی اصلاح طلب شروع به کار کرد و از او به عنوان یکی از اعضای اصول گرای دولت روحانی نام می برند که رابطه نزدیکی نیز با «علی لاریجانی» رئیس مجلس از جناح محافظه کاران دارد، زمانی که خانواده دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی قصد اسباب کشی به خانه دیگری را داشتند، متوجه می شوند که در اتاق خواب رحمانی فضلی دستگاه شنود کار گذاشته شده است.

ماه گذشته نیز علی مطهری [۱۶] از جناح محافظه کار که از اقوام رئیس مجلس نیز هست، از کشف دستگاه شنود و فیلم برداری در دفتر خود خبر داد. مطهری وزارت اطلاعات را مسئول نصب دستگاههای شنود معرفی کرد. وقتی در اتاق خواب وزیر کشور دولت اصلاح طلب دستگاه شنود کشف شود، مردم باید به دنبال چه چیزی در خانه خود بگردند؟ آیا به مفهوم این نیست که وزارت اطلاعات حتی در خصوصی ترین زندگی مردم نیز تجسس خواهد کرد؟

شاید عده ای بگویند که چنین چیزی در کشورهای دیکتاتور زده مثل ایران اتفاق می افتد. زندگی مردم در کشورهای دمکرات از امنیت بیشتری برخوردار است. انترناسیونالیستها اعلام کرده اند که هیچ توهمی به نهادهای دمکراتیک سرمایه ندارند و گانگسترهای دمکرات نیز همچون دیکتاتورها زندگی خصوص شهروندان خود و شهروندان دیگر کشورها را مورد شنود و تجسس خود قرار میدهند. دمکراتهای گانگستر نیز همانند دیکتاتورها روزنامه ها را مورد تهدید و فشار قرار میدهند و اگر نتیجه ای نداد ماهیت دیکتاتور مابانه خود را نیز نشان میدهند.

«آلن راسبریجر» سر دبیر روزنامه گاردین می گوید ماموران امنیتی بریتانیا پس از تهدید و فشار طولانی سپس در دفتر روزنامه گاردین کامپیوترهایی را که اطلاعات «اسنودن» روی آنها بود از بین بردند. گاردین اولین رسانه ای بود که اطلاعات «اسنودن» در باره جاسوسی آژانس امنیت ملی



و ایالات متحده از شهروندان آمریکائی و غیر آمریکائی را افشا کرد.

اخیرا روزنامه بریتانیائی «ایندپندنت» از طریق اطلاعاتی که از طریق اسناد افشا شده توسط «ادوارد اسنودن» بدست آورده نشان میدهد دولت بریتانیا تشکیلات بزرگی در یکی از کشورهای خاورمیانه دارد تا بطور گسترده تلفن ها، ایمیل ها و دیگر تبادلات اطلاعاتی در منطقه خاورمیانه را مورد شنود و تجسس خود قرار دهد.

حال به دولت اصلاح طلب خودمان بر میگردیم. خاتمی رئیس جمهور اصلاح طلب سابق در دیدار با اعضای هیات رئیسه انجمن اسلامی دانشگاههای تهران به تاریخ ۲۹ خرداد اعلام کرد که نباید از دولت آینده توقعات بی جا داشت، تبلیغات انتخاباتی را نباید جدی گرفت و مردم خودشان را برای روزهای سخت باید آماده کنند و اعلام کرد:

"دولت نمی تواند معجزه کند. فردا تورم و بیکاری ویران کننده از بین نروند رفت و روابط خارجی اصلاح نخواهد شد. نباید این توقعات را داشته باشیم."

در دوران حاکمیت اصلاح طلبان خاتمی بود که بزرگترین تعدیل نیروی کار انجام گرفت، در زمان حاکمیت اصلاح طلبان بود که کارگران خاتون آباد، تنها به خاطر اعتراض به بیکاری شان، تظاهرات شان بخون کشیده شد و چندین کارگر جان باخت.

کوچکترین بهبودی در شرایط زندگی ما توسط اصلاح طلبان میسر نیست. پرداخت دستمزدهای معوقه، دفاع از اشتغال، دفاع از معیشت زندگی و دهها خواسته ابتدائی نه با قدرت رسیدن اصلاح طلبان بلکه فقط از طریق مبارزه مستقل مان، از طریق مبارزه طبقاتی امکان پذیر است. گسترش و تشدید مبارزه طبقاتی تنها آلترناتیو واقعی برای بهتر کردن شرایط کار و زندگی مان است. تا بردگی مزدی هست، تا سرمایه داری هست، شرایط زندگی ما، شرایط زندگی برده داری مدرن است. بیکاری، فقر، بی خانمانی، حاشیه نشینی، جنگ، حمام خون، زندان و قتل عام بخشی از زندگی جهنمی ما خواهد بود.

برخلاف ایدئولوگهای بورژوازی و جناح چپ سرمایه، زندگی جهنمی ما نه محصول بی عرضگی جناح اصول گرایان و باند احمدی نژاد، بلکه محصول نظام وارونه سرمایه داری است که بوی گند و کثافت آن سراسر این کره خاکی را در گرفته است. عواقب بحران سرمایه داری در کشورهای



یونان، اسپانیا، پرتغال و غیره کمتر از ایران نیست (عکس روبرو صحنه ای از اعتراضات ضد سرمایه داری در یونان است). طبقه کارگر ایران علیرغم اینکه یکی از منسجم ترین و

باتجربه ترین طبقه کارگر خاورمیانه را دارد که در حافظه تاریخی خود نبردهای زیادی را به ثبت رسانده است، با این وجود به شکل افراد در سیرک انتخابات پارلمانتاریستی بورژوازی شرکت کرد.

در راستای تحقق چنین اهدافی است که بورژوازی بین المللی جناح محافظه کار را تحت فشار قرار میدهد و جناح اصلاح طلب را حمایت می کند. چرا که در چنین شرایطی تداوم انباشت سرمایه به آسانی قابل تحقق است. برای تکمیل این سناریو وسایل ارتباط جمعی بورژوازی سعی کردند جناح اصلاح طلب را تحت پوشش خبری خود قرار دهند.

زمانی که سرمایه داری هنوز نقش مترقی در جامعه ایفا میکرد و امکان اصلاحات در جامعه هنوز وجود داشت و هنوز انقلاب کمونیستی در دستور روز قرار نداشت، کمونیستها سعی کردند از تریبون پارلمان استفاده کرده و فرم هائی را به نفع طبقه کارگر به جامعه تحمیل کنند. کمونیستها

حتی در دوران شکوفائی سرمایه داری نیز به پارلمان و پارلمانتاریسم هیچگونه توهمی نداشتند، چرا که در جامعه سرمایه داری طبقه حاکم تمامی وسایل ذهنی و ایدئولوژیک را در اختیار دارد و افکار عمومی را تولید و جهت میدهد. مارکس با ذکاوت تمام، هنوز زمانی که سرمایه داری بسیار جوان بود و حتی نقش مترقی در جامعه ایفا می کرد یعنی در سال ۱۸۴۶ نقش طبقه بورژوازی را در تولید و هدایت افکار عمومی بروشنی توضیح میدهد:

"افکار طبقه حاکم در هر دوران افکار حاکم هستند. یعنی طبقه ای که نیروی حاکمه مادی جامعه است، در عین حال نیروی حاکمه معنوی آن نیز هست. طبقه ای که وسایل تولید مادی را در اختیار دارد، در نتیجه وسایل تولید ذهنی را تحت کنترل خواهد داشت، بنحویکه افکار آنهایی که فاقد وسایل تولید ذهنی هستند در کل تابع آن است. افکار حاکم چیزی بیش از بیان اندیشه و ار مناسبات مادی مسلط یعنی مناسبات مادی ادراک شده بصورت ایده ها نیست، و لذا بیش از بیان فکری مناسباتی که یک طبقه را طبقه مسلط می کند و بنابراین افکار [توجیه کننده] تسلط آن طبقه نیست. افرادی که طبقه حاکم را تشکیل میدهند دارای شعور نیز هستند و لذا فکر می کنند. بنابراین مادام که آنها بعنوان یک طبقه حکومت می کنند و حدود و دایره یک دوران تاریخی را تعیین می نمایند، بدیهی است که این کار را در همه ابعاد آن بعمل می آورند، لذا بعنوان متفکران، بعنوان تولید کنندگان افکار نیز حکومت می کنند و تولید و توزیع اندیشه های عصر خویش را تنظیم می نمایند: بدین سان افکار آنان افکار حاکم آن دوران است." [۱۷]

## مبارزه طبقاتی تنها آلترناتیو

با ورود سرمایه داری به دوره انحطاط خود که با جنگ جهانی اول آغاز شد، عصر جنگهای امپریالیستی و انقلابات پرولتری شروع شد. دیگر امکان تحمیل رفرمهای پایدار به سرمایه داری وجود نداشت، دیگر نمی شد از تریبون پارلمان علیه بورژوازی استفاده کرد، انقلاب کمونیستی در دستور روز قرار گرفته بود. بعد از این تاریخ بود که کمونیستها اعلام کردند در عصر انحطاط و گندیدگی سرمایه، شرکت در نمایشات انتخاباتی و سیرک پارلمان تنها در جهت تقویت توهمات دمکراتیک است. آزادترین و دمکراتیکترین انتخابات نیز یک نوع عوامفریبی علیه طبقه کارگر است و مانع اعمال قدرت کارگران است. آزادترین انتخابات پارلمانتاریستی در راستای تضعیف مبارزه طبقاتی و هدایت مبارزه طبقاتی به کانالهای قانونی و سپس هم سترون کردن آن است.

برای ما همه گرایشات بورژوازی (محافظه کار، اصلاح طلب، دمکرات و غیره) به یک اندازه ارتجاعی هستند. مبارزه علیه کاهش دستمزدها، بیکارسازیهای دسته جمعی، سیاستهای ریاضت اقتصادی و غیره تنها از طریق مبارزه طبقاتی امکان پذیر است. تنها با اتکا به نیروی طبقاتی خودمان میتوانیم از منافع طبقاتی مان دفاع کنیم. منافع ما تنها در مبارزه طبقاتی است. چرا که

مبارزه طبقاتی در روند تکاملی خود منجر به انهدام انقلابی دولت سرمایه داری خواهد شد. تنها پیشروی طبقه کارگر بسوی انقلاب کمونیستی برای بزیر کشیدن نکبت سرمایه داری، جهانی فارغ از طبقه، استثمار و بردگی مزدی، جهانی شایسته انسانی به ارمغان خواهد کرد.

## **صدای انترناسیونالیستی**

اول شهریور ۱۳۹۲

## یادداشتها:

- [۱] در حاشیه نتایج این دور مضحکه انتخاباتی حکومت اسلامی، مقاله ای از علی جوادی
- [۲] "نوری در انتهای تونل" زنان، روحانی و خط اعتدال – سیاوش دانشور
- [۳] انتخاب روحانی، زمینه ها و نتایج / مصاحبه کمونیست با آذر مدرسی
- [۴] بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره نتایج انتخابات ۱۳۹۲
- [۵] علی جوادی: در حاشیه نتایج این دور مضحکه انتخاباتی –سایت ایران تریبون
- [۶] خبرگزاری ایسنا ۲۲ خرداد ۱۳۹۲
- [۷] آفتاب نیوز ۱۳ خرداد ۱۳۹۲
- [۸] خبرگزاری فارس به تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۹۲
- [۹] خبرگزاری فارس به تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۹۲
- [۱۰] خبر آنلاین فارس به تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۹۲
- [۱۱] منبع بالا
- [۱۲] خبرگزاری فارس ۲۶ خرداد ۱۳۹۲
- [۱۳] خبرگزاری فارس ۳۰ آذر ۱۳۹۱
- [۱۴] خبر فارسی ۲۶ خرداد ۱۳۹۲
- [۱۵] بخش فارسی رادیو فرانسه به تاریخ ۲۶ ژوئن ۲۰۱۳
- [۱۶] علی مطهری فرزند مرتضی مطهری است. مرتضی مطهری نظریه پرداز جمهوری اسلامی بود که در سال ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان ترور شد و بعد از مرگش خمینی گفت: "مطهری پاره تن اسلام و حاصل عمر من بود."
- [۱۷] ایدئولوژی آلمانی، صفحه ۶۰

## خطوط اصلی مواضع:

۱. جنگ جهانی اول نشان داد که سرمایه داری بعنوان یک نظام اجتماعی وارد دوره انحطاط شده است. تنها یک آلترناتیو برای این سیستم وجود دارد: انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت.
۲. در عصر ما، طبقه کارگر تنها طبقه انقلابی است و تنها این طبقه اجتماعی است که میتواند انقلاب کمونیستی را انجام دهد و به بربریت سرمایه داری پایان دهد.
۳. بعد از آنکه سرمایه داری وارد دوران انحطاط خود شد، اتحادیه های کارگری در سراسر جهان تبدیل به ارگانهای نظام سرمایه داری شدند. وظیفه اصلی اتحادیه ها کنترل طبقه کارگر و منحرف کردن مبارزه طبقاتی کارگران است.
۴. در عصر انحطاط و گندیدگی سرمایه، شرکت در نمایشات انتخاباتی و سیرک پارلمان تنها در جهت تقویت توهمات دمکراسی است. سرمایه داری دمکراسی و سرمایه داری دیکتاتوری دو روی همان سکه هستند، بربریت سرمایه داری.
۵. تمامی جنبشهای ملی ضد انقلابی، بر علیه طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی هستند. جنگ آزادیبخش ملی یک نیروی پیاده در اختلافات امپریالیستی است.
۶. علت شکست انقلاب اکتبر، شکست موج انقلاب جهانی، مخصوصاً شکست انقلاب آلمان که منتهی به انزوای انقلاب اکتبر و سپس منجر به انحطاط آن شد.
۷. تمامی احزاب چپ ارتجاعی هستند، استالینیستها، مائوئیستها، تروتسکیستها و آنارشویستهای رسمی و غیره دستگاه سیاسی سرمایه را نمایندگی می کنند.
۸. کلیه دولتهای به اصطلاح "سوسیالیست" یا "کمونیست" که در شوروی، اروپای شرقی، چین، کوبا و غیره بر سر کار آمدند تجلی شکل ویژه از بربریت سرمایه داری بوده و هستند، سرمایه داری دولتی.
۹. سازمان انقلابی پیشقراول پرولتاریا را تشکیل میدهد و یک فاکتور فعال در تکامل و تعمیم آگاهی طبقاتی است. سازمانهای انقلابی تنها میتوانند شکل اقلیت انقلابی به خود بگیرند که وظیفه شان نه سازماندهی طبقه کارگر یا کسب قدرت بجای طبقه کارگر، بلکه رهبری سیاسی - یک قطب نمای سیاسی است، بطوریکه شفافیت سیاسی سازمان انقلابی و نفوذ آن در طبقه کارگر از عناصر اصلی برای انقلاب کمونیستی هستند.

### تعلق سیاسی:

مواضع، نظرات و فعالیت گرایشات سیاسی پرولتاری، محصولی از تجربیات گذشته طبقه کارگر و درسهایی که سازمانهای سیاسی طبقه کارگر در طول تاریخ این طبقه کسب کرده اند. لذا صدای انترناسیونالیستی ریشه های خود را در اتحادیه کمونیستها، انترناسیونال اول، جناح چپ انترناسیونال دوم، انترناسیونال سوم، مخصوصاً جناح چپ انترناسیونال سوم و فراکسیونهایی که در مقابل انحطاط انترناسیونال سوم وظیفه سترگ دفاع از مواضع پرولتاری و کمونیستی را بر عهده گرفتند، فراکسیونهای هلندی - آلمانی و بویژه فراکسیون چپ کمونیست ایتالیا میداند و از سنن چپ کمونیست دفاع می کند.